

شیوه‌های هدایتی امام حسین (ع) با اسرا کربلا

فاطمه حسنونند^۱

چکیده

عاشورا مدرسه‌ای ماندگار در هدایت دینی و انسانی است که امام حسین (ع) در آن حقیقت اسلام را در برابر انحراف و ظلم آشکار ساخت. هدایتگری آن حضرت تنها در میدان نبرد جلوه نداشت، بلکه در عرصه‌های گفتار، رفتار و محتوای الهی نیز تجلی یافت. خطبه‌ها و گفت‌وگوهای امام در موقعیت‌های گوناگون نشانگر اهتمام به بیدارسازی وجدان‌های خفته و گشودن مسیر بازگشت برای دشمنان بود. رفتارهایی چون مدارا، رحمت و پابندی به کرامت انسانی نیز الگویی عینی از هدایت عملی به شمار آمد که حتی در شرایط اسارت، پیام کرامت و آزادگی را منتقل می‌کرد. محتوای هدایت حسینی بر محور بندگی خدا و نفی سلطه ظلم استوار بود؛ امری که در دعاها و مناجات‌های امام و در خطبه‌های افشاگرانه اهل بیت (ع) پس از عاشورا استمرار یافت. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - توصیفی به بررسی شیوه‌های هدایتی امام حسین (ع) در ارتباط با اسیران کربلا پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شیوه‌های هدایتی امام حسین (ع) هم در لحظه واقعه، با تحول روحی افرادی مانند حرّ و استقامت یاران، و هم در بلندمدت، با بیداری عمومی و شکل‌گیری قیام‌هایی چون توأیین و مختار، تأثیرگذار بوده است. برآیند تحقیق آن است که امام حسین (ع) با پیوند میان گفتار، رفتار و محتوای الهی، الگویی جامع از هدایت در شرایط بحران ارائه کرد؛ الگویی که فراتر از مرزهای زمانی و مکانی، همچنان برای امت اسلامی الهام‌بخش و راهگشاست.

کلمات کلیدی: اسارت، امام حسین (ع)، اهل بیت (ع)، عاشورا، هدایت.

^۱ سطح ۲، حوزه علمیه بنت الرسول (س) شهرستان الشتر

مقدمه

نهضت عاشورا، به عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ اسلام، فراتر از یک حادثه سیاسی و نظامی، جلوه‌ای از حرکت اصلاح‌طلبانه، فرهنگی و تربیتی است که هدف اصلی آن اصلاح جامعه اسلامی و بازگرداندن ارزش‌های اصیل دینی بود. با وجود اهمیت فراوان این واقعه، ابعاد هدایتگری امام حسین(ع) و اهل بیت ایشان، به ویژه در مواجهه با مردم، دشمنان و دوران اسارت، کمتر به صورت جامع و نظام‌مند مورد بررسی قرار گرفته است. سوال اصلی این تحقیق آن است که شیوه‌های هدایتی امام حسین(ع) و اهل بیت ایشان در واقعه کربلا و دوران اسارت چگونه بوده است؟

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل علمی و جامع شیوه‌های هدایتگری امام حسین(ع) و اهل بیت ایشان در جریان واقعه کربلا و دوران اسارت است. این تحقیق تلاش می‌کند با بهره‌گیری از منابع معتبر تاریخی، روایی و تحلیل‌های علمی، ابعاد مختلف این شیوه‌های هدایتی را تبیین کرده و نقش آن‌ها را در شکل‌گیری فرهنگ مقاومت، عدالت‌خواهی، بیداری اجتماعی و حفظ هویت دینی و فرهنگی جامعه اسلامی روشن سازد. همچنین، این پژوهش به دنبال ارائه الگویی کاربردی برای رهبران دینی و اجتماعی معاصر است که بتوانند از آموزه‌های عاشورا در هدایت جامعه بهره‌مند شوند.

با وجود گستردگی مطالعات پیرامون واقعه عاشورا، بیشتر تحقیقات به جنبه‌های نظامی، سیاسی و تاریخی آن پرداخته‌اند و ابعاد فرهنگی، تربیتی و هدایتگری این نهضت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شناخت دقیق و علمی شیوه‌های هدایتی امام حسین(ع) و اهل بیت ایشان، می‌تواند علاوه بر غنای علمی، الگویی کاربردی و الهام‌بخش برای رهبران دینی، فرهنگی و اجتماعی در شرایط کنونی فراهم آورد. از سوی دیگر، بررسی نقش زنان و اهل بیت در هدایتگری و حفظ پیام عاشورا، اهمیت ویژه‌ای دارد که در بسیاری از پژوهش‌ها مغفول مانده است.

مطالعات متعددی درباره واقعه کربلا انجام شده است، که از جمله می‌توان به کتاب «الارشاد»، اثر شیخ مفید، «اللهوف»، نوشته سید بن طاووس، «بحارالانوار»، اثر محمدباقر مجلسی و همچنین کتاب «تاریخ سیاسی اسلام» اثر رسول جعفریان اشاره کرد. این منابع اطلاعات ارزشمندی درباره وقایع کربلا و پیامدهای آن ارائه داده‌اند. با این حال، بسیاری از این آثار به بررسی کلیات واقعه و شخصیت امام

پرداخته‌اند و تحلیل جامع و نظام‌مند شیوه‌های هدایتی امام و اهل‌بیت در قالب یک پژوهش مستقل و با تمرکز بر ابعاد فرهنگی، تربیتی و اجتماعی کمتر صورت گرفته است و جای خالی یک مطالعه جامع و تحلیلی که ابعاد مختلف هدایتگری امام حسین(ع) و اهل‌بیت ایشان را در کربلا و دوران اسارت واکاوی کند، احساس می‌شود. این تحقیق درصدد است با بهره‌گیری از منابع معتبر و روش تحلیلی، این خلأ را پر کرده و به فهم بهتر پیام عاشورا و استمرار آن در تاریخ کمک نماید.

۱. مبانی نظری، تعریف مفاهیم و اصطلاحات

فهم دقیق مفاهیم کلیدی و اصطلاحات بنیادین، پیش‌نیاز تحلیل علمی و ژرف‌نگرانه است. این مفاهیم، چارچوب نظری و عملی حرکت امام حسین(ع) را شکل می‌دهند و درک درست آن‌ها، امکان تبیین دقیق اهداف، روش‌ها و پیامدهای قیام عاشورا را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، مبانی نظری هدایت در اندیشه امام حسین(ع) ریشه در آموزه‌های قرآنی، سنت نبوی و فلسفه سیاسی اسلام دارد. این مبانی، نهضت حسینی را از یک قیام صرفاً سیاسی یا نظامی فراتر برده و آن را به یک حرکت اصلاحی، فرهنگی و معنوی تبدیل کرده است که هدف اصلی آن اصلاح اساس جامعه، احیای ارزش‌های دینی و بیداری وجدان عمومی است و می‌تواند راه‌گشای فهم بهتر نقش هدایتگری امام حسین(ع) در تاریخ اسلام و همچنین الگویی برای حرکت‌های اصلاحی معاصر باشد.

۱-۱ مفهوم هدایت

هدایت در لغت به معنای راه نشان دادن و رهبری کردن است و در اصطلاح دینی، به معنای راهنمایی انسان به سوی کمال و سعادت واقعی تفسیر می‌شود.^۱ در قرآن کریم، هدایت از مهم‌ترین اهداف رسالت انبیا شمرده شده است؛ چنان‌که آمده: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا؛ و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند».^۲

^۱ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۷۸

^۲ الأنبياء: ۷۳

هدایت در قرآن دو گونه است: هدایت تکوینی، که برای همه موجودات در نظام آفرینش وضع شده، و هدایت تشریعی، که مخصوص انسان بوده و از راه انبیا، امامان، کتب آسمانی و عقل صورت می‌گیرد.^۱

در واقع، هدایت در اسلام صرفاً ارائه راه نیست، بلکه رساندن به مقصد نیز مد نظر است. به همین دلیل، در تفسیر آیه «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ»^۲؛ بسیاری از مفسران بر تفاوت بین «ارائه طریق» و «ایصال به مطلوب» تأکید کرده‌اند.^۳

امام حسین(ع) با تکیه بر همین مبنا، رسالت خود را در امتداد رسالت پیامبر(ص) و ائمه(ع) می‌بیند. حدیث نبوی «إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَا»^۴ جایگاه امام را به عنوان واسطه هدایت الهی در جامعه اسلامی تثبیت می‌کند.

۲-۱ مفهوم اسارت و اسیر

اسارت در لغت به معنای در بند کشیدن آمده است.^۵ در قرآن کریم، واژه «اسیر» در آیاتی چون: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» و خوراک را با وجود دوست داشتنش، به نیازمند و یتیم و اسیر می‌دهند.^۶ آمده است.

اسلام علاوه بر پذیرش واقعیت اسارت در جنگ، بر رعایت کرامت انسانی اسیر تأکید دارد: «فَأَمَّا مَنْ بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً» [پس از جنگ] یا [آزاد کردن به] مَنَّتْ است یا فدیة.^۷

پیامبر(ص) نیز سفارش فرمودند: «استوصوا بالأسارى خيراً؛ درباره اسیران نیکی کنید».^۸

^۱ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵

^۲ قصص: ۵۶

^۳ فخررازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۸۸

^۴ ابن طاووس، اللہوف علی قتلی الطفوف، ص ۲۳

^۵ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۶۸

^۶ انسان: ۸

^۷ محمد: ۴

^۸ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۸

اما در واقعه عاشورا، اسارت اهل بیت (ع) به ابزاری تبلیغی و هدایتی تبدیل شد. حضرت زینب (س) در مجلس ابن زیاد فرمود: «ما رأيتُ إلا جميلاً؛ جز زیبایی ندیدم»^۱.

در ظاهر، اسارت مفهومی تحقیرآمیز و نشانه شکست است، اما در واقعه کربلا، به ابزاری قدرتمند برای انتقال پیام و استمرار نهضت تبدیل شد. اسارت اهل بیت (ع)، با وجود سختی‌های بسیار، به فرصت بی‌نظیری برای هدایت جامعه اسلامی و بیداری افکار عمومی انجامید.^۲

حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در طول مسیر شام، از ابزار خطبه، صبر، افشاگری و تحلیل تاریخی استفاده کردند تا فلسفه قیام امام حسین (ع) و ظلم بنی‌امیه را برای مردم آشکار سازند.^۳ خطبه‌های کوفه و شام گواه روشن این هدایت‌گری در بستر اسارت است؛ جایی که حضرت زینب (س) در برابر یزید با صلابت گفت: «فَكَيْدُ كَيْدِكَ وَتَأْصِيبُ جَهْدِكَ قَوْلَ اللَّهِ لَا تَمُحُوا ذِكْرَنَا»^۴.

لذا، اسارت در کربلا نه نشانه پایان راه، بلکه آغاز فصل جدیدی از هدایت‌گری و پیام‌رسانی عاشورا است؛ که مسئولیت آن را اهل بیت، به‌ویژه امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) بر عهده گرفتند.

۳-۱ نقش امام به‌عنوان هدایت‌گر

در اندیشه شیعی، امام وظیفه هدایت الهی دارد. قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۵.

در تفسیر روایی آمده است: «رسول خدا بیم‌دهنده است و علی (ع) هادی است»^۶.

پیامبر (ص) درباره امام حسین (ع) فرمود: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ؛ همانا حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است»^۷.

^۱ ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۴

^۲ شریعتی، حسین وارث آدم، ص ۵۸

^۳ قمی، نفس المهموم، ص ۲۸۷

^۴ ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۶۶

^۵ رعد: ۷

^۶ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۲

^۷ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵

عزاداری‌ها و بزرگداشت‌های عاشورا، نمادی از این هویت و وحدت است که هر ساله میلیون‌ها مسلمان را گرد هم می‌آورد و پیوندهای اجتماعی و مذهبی را تقویت می‌کند.

این وحدت، در بسیاری از مقاطع تاریخی، مانع از تفرقه و انحراف در جامعه اسلامی شده است.

۶-۴ تأثیرات معنوی و تربیتی

شیوه‌های هدایتی امام حسین(ع) تأثیر عمیقی بر تربیت معنوی و اخلاقی مسلمانان داشته است. آموزه‌هایی چون صبر، تسلیم در برابر مشیت الهی، ایثار، عدالت‌خواهی و مقاومت در برابر ظلم، از میراث معنوی این نهضت است که در متون دینی و اخلاقی به کرات مورد تأکید قرار گرفته است.^۱

این آموزه‌ها به عنوان اصول بنیادین در تربیت فردی و اجتماعی مسلمانان شناخته می‌شوند و در زندگی روزمره آنان جاری است.

از سوی دیگر، نهضت عاشورا به عنوان نمادی از حق‌طلبی و مقاومت، در تربیت نسل‌های جدید نقش مهمی ایفا کرده و الهام‌بخش حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی در جوامع اسلامی بوده است.

۷-۴ نتایج بلندمدت شیوه‌های هدایتی

آثار شیوه‌های هدایتی امام حسین(ع) به زمان واقعه محدود نماند، بلکه در سال‌های پس از عاشورا موجی از بیداری و حرکت‌های اعتراضی را برانگیخت که نشان از پایداری پیام کربلا در وجدان امت اسلامی دارد.

یکی از نخستین جلوه‌های این نتایج، قیام توأبین در سال ۶۵ق بود. مورخان نوشته‌اند که سران توأبین با یادآوری خطبه‌ها و رفتارهای امام حسین(ع) به این نتیجه رسیدند که تنها راه جبران کوتاهی در کربلا، جان‌فشانی در راه اوست.^۲

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۳۰

^۲ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۱۵۵

پس از آن، قیام مختار ثقفی در سال ۶۶ق با شعار خون‌خواهی امام حسین(ع) شکل گرفت. ابن اعثم کوفی گزارش می‌کند که یکی از محورهای تبلیغ مختار، استناد به مظلومیت امام و سخنان ایشان در عاشورا بود.^۱

علاوه بر قیام‌های نظامی، خطبه‌های زینب(س) و امام سجاد(ع) در کوفه و شام نیز در ایجاد فضای افشاگری نسبت به بنی‌امیه نقشی اساسی داشت. امام سجاد(ع) در خطبه شام فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! أُعْطِينَا سِتًّا، وَفُضِّلْنَا بِسَبْعٍ؛ ای مردم! به ما شش ویژگی عطا شد و با هفت چیز برتری یافتیم.^۲» این خطبه‌ها در بلندمدت مشروعیت سیاسی امویان را متزلزل کرد و بیداری اسلامی را در قرن نخست هجری رقم زد.

بنابراین، شیوه‌های هدایتی امام حسین(ع) دو سطح از نتایج را به همراه داشت: نخست، تأثیر مستقیم بر روحیه افرادی مانند حرّ و یاران وفادار امام که در لحظه انتخاب به قله آزادگی رسیدند؛ دوم، آثار بلندمدت اجتماعی و سیاسی که در قیام‌ها و بیداری‌های پس از عاشورا جلوه‌گر شد. از این منظر، هدایت حسینی نه‌تنها در صحرای کربلا، بلکه در تاریخ اسلام جاری و زنده باقی ماند.

^۱ ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۶، ص ۴۵

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵

نتیجه‌گیری

نهضت حسینی را نمی‌توان صرفاً حادثه‌ای خونین در صحرای کربلا دانست، بلکه باید آن را مدرسه‌ای بزرگ در تاریخ هدایت دینی و انسانی قلمداد کرد. آنچه در این واقعه رخ داد، تلفیقی از عقلانیت و حیانی، کرامت اخلاقی و حکمت عملی امام حسین(ع) بود که در قالب سخن، رفتار و محتوای معنوی جلوه‌ای بی‌مانند یافت.

سخنان امام، چه در قالب خطبه‌های کوبنده و چه در مکالمات فردی، به مثابه چراغی فروزان، مسیر حق را روشن و وجدان‌های خفته را بیدار ساخت. خطابه‌هایی همچون «هیهات منّا الذلّة» نه تنها ابعاد سیاسی و اجتماعی قیام را آشکار کرد، بلکه روح توحید، عزت و آزادگی را در جان‌ها دمید و اتمام حجتی ابدی بر دشمنان و مردمان زمانه شد.

رفتار عملی آن حضرت نیز در سطحی فراتر از گفتار، تجسم عینی رحمت و هدایت بود. از سیراب ساختن سپاه دشمن گرفته تا وفاداری به عهد و کرامت در تعامل با اسیران، همگی نشان از آن داشت که هدایت حسینی تنها در زبان خلاصه نمی‌شود، بلکه حقیقتی جاری در عمل است. چنین سیره‌ای، حتی در میانه جنگی نابرابر، چهره اسلام رحمانی را در برابر چشم همگان قرار داد و ارزش‌های الهی را زنده نگاه داشت.

محتوا و جوهره هدایت امام بر دو اصل استوار بود: بندگی خالصانه خداوند و افشای ماهیت ظلم و تحریف. دعاها و مناجات‌های امام در شب عاشورا، که آکنده از تضرع و توکل به درگاه الهی بود، بیانگر پیوند عمیق او با حقیقت عبودیت است. هم‌زمان، خطابه‌های افشاگرانه ایشان و استمرار آن در خطبه‌های زینب کبری(س) و امام سجاد(ع) پس از واقعه، پرده از چهره واقعی ستمگران برداشت و راه بیداری امت را هموار ساخت.

ثمرات این هدایت دوگانه، هم در لحظه و هم در تاریخ، به‌وضوح نمایان شد. تحول روحی حرّ بن یزید ریاحی و انتخاب آگاهانه یاران در شب عاشورا جلوه‌ای از آثار آنی این سیره بود؛ قیام‌های توانمند و مختار و موج‌های پی‌درپی بیداری اجتماعی، نمود نتایج ماندگار آن در ساحت امت اسلامی. چنین

تأثیراتی به‌روشنی نشان می‌دهد که هدایت حسینی نه یک کنش محدود تاریخی، بلکه یک راهبرد مستمر الهی برای احیای حق و عزت انسانی است.

درنهایت، امام حسین(ع) در کربلا الگویی جامع از هدایتگری ارائه کرد؛ الگویی که در آن زبان وحی، اخلاق نبوی و رفتار ولایی در هم تنیده شد تا مسیر تاریخ را از اسارت ظلم به سوی آزادی و عبودیت الهی سوق دهد. این میراث هدایت، همچنان برای حوزه‌های علمیه و اندیشمندان دینی افقی گشوده است؛ افقی که در پرتو آن می‌توان نسبت هدایت دینی با شرایط بحران، نقش امام در تاریخ نجات بشری، و ظرفیت‌های تمدنی عاشورا را بازشناخت و بازخوانی کرد.

- قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ هـ ش.
۲. ابن اعثم کوفی، احمد بن علی، **الفتوح**، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ هـ ش.
۳. ابن طاووس، سید بن طاووس، **التهوف علی قتلی الطفوف**، قم: انتشارات دارالاسوه، ۱۴۱۷ هـ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ هـ ق.
۵. جعفریان، رسول، **تاریخ سیاسی اسلام (از آغاز تا پایان امویان)**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ هـ ش.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم: آل البيت، ۱۴۱۴ هـ ق.
۷. دینوری، احمد بن داود، **الاخبار الطوال**، تهران: نشر نی، ۱۳۶۸ هـ ش.
۸. شریعتی، علی، **حسین وارث آدم**، تهران: حسینیه ارشاد، ۱۳۸۰ هـ ش.
۹. شهیدی، سید جعفر، **پس از پنجاه سال**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ هـ ش.
۱۰. شیخ مفید، محمد بن محمد، **الارشاد**، ترجمه مهدی دامغانی. تهران: نشر علم، ۱۳۷۷ هـ ش.
۱۱. صدوق، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ هـ ق.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الامم و الملوک**، ارومیه: مکتبه ارومیه، چاپ اول، ۱۳۶۳ هـ ش.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ ق.
۱۵. قمی، عباس، **نفس المهموم**، ترجمه: سید احمد فهری. قم: انتشارات هجرت، ۱۳۸۲ هـ ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ ق.
۱۸. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۸ هـ ش.
۱۹. مقرر، سید عبدالرزاق، **مقتل امام حسین (ع)**، ترجمه: مهدی پیشوایی، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۹ هـ ش.